

پاسخنامه مدارس شهرستانها

پایه :	۷	موضوع :	اصول
تاریخ :	۹۱/۰۶/۰۴	ساعت :	۸

نام کتاب: فرائد الاصول، از اول کتاب تا اول دلیل انسداد

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آفر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

سؤالات تستی:

۱. اِنْ ظَاهِرَ كَلِمَاتِ الْأَصْحَابِ فِي بَعْضِ الْمَقَامَاتِ هُوَ الْإِتِّفَاقُ عَلَى ... كَمَا يَظْهَرُ مِنْ دَعْوَى جَمَاعَةِ الْإِجْمَاعِ عَلَى أَنْ ظَانَ ضَيْقَ الْوَقْتِ إِذَا أَخَّرَ الصَّلَاةَ عَصَى وَإِنْ انْكَشَفَ بَقَاءُ الْوَقْتِ. أ ۳۸ فهمی
- ا. أَنْ الْقَطْعَ حِجَّةً عَلَى الْقَاطِعِ وَلَوْ لَمْ يَكُنْ مُطَابِقاً لِلْوَاقِعِ ■
 ب. أَنْ مَا هُوَ حِجَّةٌ فَإِنَّمَا هُوَ الظَّنُّ الْمَطَابِقُ لِلْوَاقِعِ لَا مَطْلَقَ الظَّنِّ □
 ج. أَنْ الْقَطْعَ حِجَّةً فِي فِرْضِ مُطَابَقَتِهِ لِلْوَاقِعِ □
 د. أَنَّهُ لَا تَلَازِمَ بَيْنَ الظَّنِّ وَالْقَطْعِ فِي الْحِجَّةِ □
۲. کدام گزینه، از اقسام تجرّی نیست؟ د ۴۹-۴۸ حفظی
- ا. مجرد التصد إلى المعصية □
 ب. التصد مع الاشتغال بمقدماته □
 ج. التلبس بما يحتمل كونه معصيةً رجاءً لتحقق المعصية في حال عدم معذرية الجهل □
 د. التلبس به لعدم المبالاة بمصادفة الحرام في حال معذرية الجهل ■
۳. به نظر مصنف، کدام گزینه صحیح است؟ د ۱۶۹
- ا. حجّیت ظواهر مشروط به عدم وجود ظنّ غیر معتبر بر خلاف است □
 ب. حجّیت ظواهر مشروط به افاده ظنّ به مراد است □
 ج. حجّیت ظواهر مخصوص مقصودین به افهام است □
 د. ظواهر مطلقاً حجّت است ■
۴. به نظر مصنف، آیا مخالفت التزامی علم اجمالی جایز است؟ ج ۸۴ حفظی
- ا. در شبهه حکمیه جایز است ولی در موضوعیه جایز نیست □
 ب. در شبهه موضوعیه جایز است ولی در حکمیه جایز نیست □
 ج. در شبهه حکمیه و موضوعیه جایز است ■
 د. در هیچ کدام جایز نیست □

سؤالات تشریحی:

* الأول: هذا الفعل ممّا قامت البینة علی كونه محرّماً، وكلّ ما كان كذلك فهو حرام. فهذا حرام. الثاني: إن هذا معلوم الخمرية، وكلّ معلوم الخمرية يجب الاجتناب عنه، فيجب الاجتناب عن هذا.

۱. ا. بنا بر نظر مصنف، کدام یک از دو استدلال فوق صحیح است؟ چرا؟ ب. با توجه به صحت و سقم این دو استدلال، حکم اطلاق حجّت بر قطع و ظنّ را با دلیل آن بیان کنید. ۲۹

ا. الأول صحیح؛ لأنّ الظنّ الطریقى يقع موضوعاً للحکم الشرعى فیعق وسطاً لإثبات متعلّقه فیصحّ اطلاق الحجّة علیه. الثانی: غیر صحیح؛ لأنّ أحكام الخمر تثبت للخمر الواقعی، لا لما علم أنّه خمر. ب. والقطع الطریقى لا یكون حجّة بالمعنى الاصولی أى ما كان وسطاً لإثبات أحكام متعلّقه.

- * الظاهر عدم جواز المخالفة العملية للعلم الاجمالی فی الشبهة الموضوعية. فإن قلت: إذا أجرینا أصالة الطهارة فی كلّ من الإثنين وأخرجناهما عن موضوع النجس بحکم الشارع فلیس فی ارتکابهما - بناءً علی طهارة كلّ منهما - مخالفة لقول الشارع «اجتنب عن النجس». قلت: إنّ حکم الشارع بخروج مجرى الأصل عن موضوع التكلیف الثابت بالأدلة الاجتهادية لا معنى له الآ رفع حکم ذلك الموضوع. ۹۴-۹۳
۲. اشکالی را که در متن، بر عدم جواز مخالفت عملیه علم اجمالی مطرح شده، بیان کنید.

اشکال: مخالفت عملیه علم اجمالی حرام نیست؛ زیرا دلیل بر آن در انائین مشتبهین خطاب واقعی «اجتنب عن النجس» است که به واسطه علم اجمالی یقین داریم فعلی شده است، لکن با جریان «اصالة الطهارة» که اصل موضوعی است اطراف علم اجمالی تعبداً از موضوع دلیل «اجتنب عن النجس» خارج می‌شوند و بنا بر این، خطاب واقعی «اجتنب عن النجس» شامل نجس معلوم بالاجمال نمی‌شود و دیگر علم به

فعلیت آن نداریم و علم اجمالی نمی‌تواند مانع جریان «اصالة الطهارة» شود؛ زیرا «اصالة الطهارة» اصل موضوعی است و رافع موضوع خطاب واقعی «اجتناب عن النجس» می‌باشد.

* إنه تعالى أمر بالثبوت عند إخبار الفاسق، وقد اجتمع فيه وصفان، ذاتي وهو كونه خبر واحد، وعرضي وهو كونه فاسقاً، ومقتضى الثبوت هو الثاني؛ للمناسبة والاقتران، فلا يصلح الأوّل للعلیة؛ وإلا لوجب الاستناد اليه؛ إذ التعليل بالذاتيّ الصالح للعلیة أولى من التعليل بالعرضي؛ لحصوله قبل حصول العرضي. ۲۵۴

۳. أ. مقصود از «للمناسبة والاقتران» چیست؟ ب. عبارت «إذ التعليل بالذاتي...» را توضیح دهید.

أ. مناسبت حکم (وجوب تبیین) با موضوع (خبر فاسق)، و اقتران و نزدیکی این دو با هم اقتضا می‌کند تثبیت در خبر فاسق به خاطر لا ابالی بودن او باشد.

ب. اگر به ذاتی (خبر واحد بودن) بتوان تعلیل آورد نوبت به عرضی نمی‌رسد زیرا وجود ذاتی قبل از وجود عرضی است.

* توهم بعض أن الشهرة تكون من الظنون الخاصة لأن أدلة حجية خبر الواحد تدل على حجيتها بمفهوم الموافقة، وهو ممنوع للظن بل العلم بأن المناسبات والعلّة في حجّية الأصل ليس مجرد إفادة الظن. ۲۰-۲۳۱

۴. استدلال به مفهوم موافقت را تقریر کرده وجه منع را توضیح دهید.

ظنّ حاصل از شهرت قوی تر از ظن حاصل از خبر واحد است پس وقتی خبر واحد به خاطر افاده ظنّ حجّت شده است شهرت نیز باید به طریق اولی حجّت باشد وجه منع: ما می‌دانیم مناط حجّیت خبر واحد، تنها افاده ظنّ نیست لذا جائی برای اولویت باقی نمی‌ماند.

* إن وقوع التحريف في القرآن لا يمنع من التمسك بالظواهر لعدم العلم الاجمالي باختلال الظواهر بذلك مع أنه لو علم لكان من قبيل الشبهة الغير المحصورة مع أنه لو كان من قبيل الشبهة المحصورة أمكن القول بعدم قدحه، لاحتمال كون الظاهر المصروف عن ظاهره من الظواهر الغير المتعلقة بالأحكام الشرعية العمليّة التي أمرنا بالرجوع فيها إلى ظاهر الكتاب. ۱۵۸

۵. عبارت فوق در پی پاسخ به یک اشکال است. اشکال و پاسخ را بیان کنید.

اشکال: علم اجمالی به وقوع تحریف موجب می‌شود نتوانیم به ظهورات قرآن تمسک کنیم و با وجود علم اجمالی باید احتیاط کرد.

پاسخ: اولاً: علم اجمالی به اختلال ظواهر به واسطه تحریف نداریم؛ چون ممکن است که تحریف فقط در غیر ظواهر (مشابهات) واقع شده باشد. و ثانیاً: علم به وقوع تحریف در ظواهر قرآن از موارد علم اجمالی در اطراف شبهه غیر محصوره است که احتیاط لازم نیست. و ثالثاً: ممکن است آن ظواهری که قیود و مخصصات آنها تحریف شده است از ظواهری که در مورد احکام شرعیه است نباشد.

* الثاني من وجهي المنع عن العمل بظواهر الكتاب: إننا نعلم بطور التقييد والتخصيص والتجوّز في أكثر ظواهر الكتاب وذلك مما يستقطها عن الظهور وفيه أولاً النقض بظواهر السنة و... ۱۴۹

۶. اشکال را تقریر کرده، پاسخ آن را بیان کنید.

اشکال: ما می‌دانیم اجمالاً که در مطلقات و عمومات قرآن تخصیص و تقييد آمده است و این باعث می‌شود که ظهورات کتاب، حجت نباشند. پاسخ: در ظواهر سنت هم تخصیص و تقييد و تجوز فراوان وارد شده است در حالیکه این امور مانع اخذ ظواهر سنت نیست.

* لو أقرّ بعين لشخص ثم أقرّ بها لآخر فإنّه يغرم للثاني قيمة العين بعد دفعها الى الأوّل فإنّه قد يؤدّي هذا الحكم الى الترخيص في مخالفة العلم التفصيلي المتولّد من العلم الإجمالي. ۸۱

۷. در چه فرضی ممکن است حکم فوق منجر به جواز مخالفت با علم تفصیلی متولّد از علم اجمالی شود؟

در صورتی که عین و قیمت در دست شخص واحدی جمع شود (مثلاً صاحب عین، آن را به صاحب قیمت ببخشد) و مالک، عین و قیمت را مجموعاً به ثمن واحدی بفروشد در این فرض شخص علم تفصیلی پیدا می‌کند که تمام ثمن به ملک وی در نیامده است زیرا که علم

اجمالی دارد که یا قیمت و یا عین مال مقرر است پس حکم فوق ممکن است منجر به جواز مخالفت با علم تفصیلی به حرمت تصرف در مال غیر شود.

* يستشكل على دلالة آية النفر على حجية خبر الثقة أولاً: بأنه ليس فيها اطلاق وجوب الحذر، بل يمكن أن يتوقف وجوبه على حصول العلم. و ثانياً: بأن التفقه الواجب ليس إلا معرفة الامور الواقعية من الدين، فانحصر وجوب الحذر فيما إذا علم المنذر صدق المنذر في إنذاره بالأحكام الواقعية. والفرق بينهما: أن هذا الايراد مبنى على أن الآية ناطقة باختصاص مقصود المتكلم بالحذر عن الامور الواقعية، المستلزم لعدم وجوبه إلا بعد احراز كون الإنذار متعلقاً بالحكم الواقعي، وأما الايراد الأول فهو مبنى على سكوت الآية عن التعرض لكون الحذر واجباً على الاطلاق أو بشرط حصول العلم. ٢٨٢

٨. با توجه به عبارت، تفاوت دو اشکال را بیان کنید.

در اشکال اول احتمال مدخلیت علم در وجوب حذر را ذکر می کند. اما در دومی وجوب حذر را در خصوص مورد علم واجب می داند. به عبارت دیگر، در اشکال اول وجوب مشروط به حصول علم است و در اشکال دوم وجوب مطلق است و علم در متعلق اخذ شده است.

* (عدّ المصنف في محامل ادعاء الاجماع والاتفاق) الثالث: أن يستفيد اتفاق الكل على الفتوى مثلاً من اتفاقهم على العمل بالأصل عند عدم الدليل ومن المعلوم أن نسبة هذا الحكم الى العلماء في مثل ذلك لم تنشأ الا في مقدمتين: احديهما: كون ذلك الأمر المتفق عليه مقتضياً ودليلاً لولا المانع؛ ثانيهما: انتفاء المانع والمعارض ومن المعلوم أن الاستناد الى الخبر المستند الى ذلك غير جائز عند أحد من العاملين بخبر الواحد. ٢٠٤-٢٠٣

٩. أ. منشأ ادعای اجماع چیست؟ ب. مقصود از «ومن المعلوم أن الاستناد الى الخبر...» را توضیح دهید.

أ. منشأ ادعای اجماع از دو مقدمه تشکیل شده است: ١. امر متفق علیه مقتضی و دلیل بر حکم مجمع علیه باشد. ٢. مانع و معارضی برای آن وجود نداشته باشد. ب. مقصود از جمله مذکور این است که: نقل این گونه اجماع که مشتمل بر خبر از حکم شرعی بر اساس حدس و اجتهاد است مشمول ادله حجیت خبر واحد نیست. و هیچ یک از قائلین به حجیت خبر واحد به این گونه خبری عملی نمی کنند.